

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان‌های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی

علی میر^۱، نرگس جوزی^۲، حسین دالوند^۳

^۱ گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران.

^۲ گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

^۳ گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی میر

چکیده

این تحقیق با هدف رتبه‌بندی و مقایسه‌ی عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال در صنایع کوچک و متوسط استان لرستان انجام شده است. داده‌های لازم از طریق مراجعه به کتب و گزارش‌های موجود از یک طرف و متخصصان و افراد توانمند در حوزه‌ی اشتغال و مسائل اقتصادی از طرف دیگر گردآوری شد. تعداد اعضای جامعه‌ی آماری ۱۵ نفر بود که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تا رسیدن به عمق و کفایت نظری انتخاب شدند. در این راستا تعداد شانزده شاخص انتخاب و سپس با روش تاپسیس فازی به رتبه‌بندی این شاخص‌ها پرداخته شد. نتایج نشان داد که شهرستان‌های استان از نظر وضعیت شاخص‌های حاصله یکسان نبوده و شهرستان خرم‌آباد با شاخص شباهت ۰/۴۲۳ در اولویت اول، شهرستان بروجرد با شاخص شباهت ۰/۴۱۲ در اولویت دوم، ازنا با شاخص ۰/۴۰۷ در جایگاه سوم و شهرستان‌های دلفان و دوره به ترتیب با شاخص‌های شباهت ۰/۳۳۳ و ۰/۳۰۶ در جایگاه نهم و دهم قرار گرفتند. تحلیل نهایی نتایج حاکی از آن بود که بیشترین ضعف در سطح استان در خصوص شاخص‌های مؤثر بر اشتغال‌زایی صنایع کوچک و متوسط به ترتیب در خصوص شاخص‌های حداقل‌سازی هزینه، سود تسهیلات بانکی، صادرات‌گرایی، نوع سرمایه‌گذاری و بالاخره فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات مشاهده شده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، اقتصاد مقاومتی، صنایع کوچک و متوسط، تاپسیس فازی، استان لرستان.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی دارای الزاماتی از قبیل مردمی کردن اقتصاد و تحقق سیاست‌های اصل ۴۴، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف و مدیریت آن، تعادل در مصرف و مدیریت مصرف، استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات و بالاخره حرکت بر اساس برنامه می‌باشد. تمام این الزامات به ایجاد اشتغال و توسعه‌ی فعالیت‌های درآمدزا در داخل کشور نیاز دارند. بدین معنا که قبل از هر گونه حرکت به سمت و سوی درآمد، تولید و اصلاح الگوی مصرف، لازم است به دنبال اشتغال باشیم تا بتوانیم با استفاده از نیروی بومی کشورمان زمینه را برای کسب درآمد و تولید فراهم نماییم.

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. همین نکته در استقلال و خوداتکایی نیز نهفته است (آجیلی، ۱۳۹۲، ۹۲-۹۱).

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است و مهم‌ترین عنصر آن تکیه بر توان داخلی با رویکرد اشتغال و تولید داخلی می‌باشد (میلانی، ۱۳۹۴، ۶).

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل گرفته تا در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند (عسکری، ۱۳۹۱، ۴).

از آنجا که تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به تلاش همه‌جانبه نیاز داشته و تأکید بر مزیت‌های مختلف بخش‌های اقتصادی و اداری برای تحقق این اهداف به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر مطرح شده است، لذا این پژوهش در پی رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان‌های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی است تا بتواند ضمن مطرح نمودن اشتغال و اشتغال‌زایی به عنوان رکن اصلی اقتصاد مقاومتی به شناسایی آن دسته از عوامل و معیارها بپردازد که بیش از سایر ابعاد به ایجاد و توسعه‌ی اشتغال با تأکید بر اهداف اقتصاد مقاومتی در ارتباط بوده و به تحقق آنها کمک می‌کنند.

بیان مسأله

در چشم‌انداز قرن بیست و یکم، بنگاه‌ها تحت تأثیر عوامل مهمی مانند جهانی شدن، توسعه‌ی فنی و سرعت انتشار تکنولوژی‌های نوین در یک وضعیت پیچیده و رقابتی قرار گرفته‌اند. در چارچوب این چشم‌انداز، بنگاه‌ها باید متفاوت عمل کرده و در پی کسب مزیت‌هایی باشند که هم وظایف خود را نسبت به جامعه انجام دهند و هم اهداف خویش را محقق نمایند.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی برای مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها است که بر توان داخلی اقتصاد تکیه داشته و پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا است (قوامی، ۱۳۹۱، ۱۵).

اقتصاد مقاومتی واژه‌ای ترکیبی از دو کلمه اقتصاد و مقاومت است. کلمه اقتصاد در لغت به معنای میانه‌روی است ولی در اینجا یک نوع دانش و یا نظامی است که به رفتارهای انسان و وضعیت بهینه‌ی زندگی او در زمینه‌ی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و امکانات رفاهی می‌پردازد. مقاومت از ریشه قوم و از باب مفاعله است و مفاهیمی مانند قوام، قیام، استقامت، مستقیم و قیمت، هم از این ماده اشتقاق یافته‌اند. صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد دارد که اولاً در ساخت درونی خود از قوام و استحکام لازم برخوردار باشد و ثانیاً در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید (انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۹۳، ۳-۲).

از مهم‌ترین اهداف و سیاست‌های مورد نظر در اقتصاد مقاومتی، اشتغال می‌باشد که در قالب شعار سال ۱۳۹۶ نیز در صدر وظایف و تکالیف سازمان‌ها قرار گرفته است.

با بررسی و مقایسه اجمالی از گزارش‌ها و آمارهای ارایه شده توسط سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی و مرتبط متوجه خواهیم شد که برآیند مشکلات و معضلات اکثریت جوامع و کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه معطوف و مشتمل بر سه معضل اساسی (مسکن، اشتغال و تولید در حوزه‌های صنعت و معدن و کشاورزی و خدمات و ...) می‌باشد. گذشته از این که بروز همین مشکلات و در رأس آنها اشتغال موجب شده است

که در سال ۱۳۹۶ محور اصلی اقتصاد مقاومتی با عنوان اشتغال مطرح شود، اغلب تحقیقات انجام شده حاکی از اهمیت ایجاد اشتغال در ایجاد ثبات اقتصادی جامعه، افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه همه جانبه در جامعه می باشد. یکی از اصلی ترین شاخص های اقتصاد، بحث تولید و اشتغال همراه آن است. افزایش تولید در نگاه اول به معنای رونق چرخ اقتصاد و در ادامه حاکی از کاهش وابستگی به واردات، افزایش اشتغال، بهبود سطح معیشت مردم، افزایش سرمایه گذاری داخلی و ارتقای فعالیت بخش خصوصی، افزایش سطح بهره وری سازمانی و کارآفرینی، تحقق عدالت اجتماعی و بهبود شاخص های توسعه ای اجتماعی و در نتیجه افزایش قدرت اقتصادی جامعه و... است. تولید ملی با ویژگی پایداری و ثبات و مبتنی بر توان و پتانسیل های داخلی، کسب و کار داخلی را رونق می بخشد و نیروی انسانی متخصص را در چرخه ی اقتصادی بکار می گیرد. بطور کلی تولید و اشتغال ملی در تعاملی تنگاتنگ و دو سویه، علت و معلول همدیگر هستند. با این توصیف که افزایش تولید به نوعی به معنای افزایش اشتغال است و بالعکس. در شرایط کنونی یکی از عواملی که سبب دگرگونی شرایط اقتصادی، اجتماعی و صنعتی یک کشور می شود، فعالیت های اشتغال زا و کارآفرینانه است که هم زمینه را برای رشد و توسعه پایدار فراهم می کنند و هم برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مهم می باشند (منفرد و احمدی پور، ۱۳۹۴، ۳-۱).

در اغلب کشورهای دنیا همچون روسیه، برزیل، آفریقای جنوبی، هندوستان، کره ی جنوبی، آرژانتین، ژاپن و انگلیس و فرانسه و ترکیه، سهم بسزایی از اشتغال در اختیار صنایع کوچک و متوسط است (منوچهری، ۱۳۹۰، ۵۴-۵۲). طبق آخرین آمار رسمی سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران، بالغ بر ۸۴ هزار واحد صنعتی دارای پروانه بهره برداری در کشور وجود دارد که ۷۸ هزار واحد صنعتی کوچک می باشند. سهم صنایع کوچک تقریباً ۹۳ درصد از کل صنایع موجود و حدود ۴۵ درصد سهم کل اشتغال صنعتی را تشکیل می دهند. سهم ارزش افزوده تولید صنایع کوچک ۱۶/۸ درصد، معادل نصف متوسط عملکرد صنایع کوچک در نیاست و سهم ارزش صادرات در صنایع کوچک تنها ۱۰ درصد است. این در حالی است که بهره وری در صنایع کوچک به دلیل انعطاف پذیری بیشتر و امکان همراهی سریع تر با تغییر الگوی تقاضای مصرف کنندگان در مقایسه با صنایع بزرگ بالاتر و بیشتر است (<http://www.iribnews.ir/fa/news/1755368>).

بنا به تازه ترین تعریف سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی، صناعی که شاغلان آن تا ۴۹ نفر باشند، صنایع کوچک و صناعی که بین ۵۰ تا ۹۹ نفر باشند صنایع متوسط و بالای ۱۰۰ نفر کارکن داشته باشد صنایع بزرگ به حساب می آیند. اما آن چه که اداره آمار بانک مرکزی به عنوان طبقه بندی واحدهای صنعتی در نظر می گیرد، واحدهای با کمتر از ۱۰ نفر شاغل به عنوان صنایع خرد، واحدهای دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر شاغل را صنایع کوچک، واحدهای دارای ۵۰ تا ۹۹ نفر شاغل را صنایع متوسط و بالاتر از ۱۰۰ نفر شاغل را به عنوان صنایع بزرگ می نامند. تعداد واحدهای صنعتی کشور ۸۴۸۹۰ واحد با میزان اشتغال ۲۴۶۸۰۲۵ نفر می باشند که سهم واحدهای کوچک (تا ۴۹ نفر کارکن)، برابر ۷۸۶۰۶ واحد و اشتغال مستقیم ۱۲۸۰۹۵۵ نفر، سهم صنایع متوسط (۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن)، برابر ۳۵۹۴ واحد و اشتغال مستقیم ۲۶۸۷۲۸ نفر و سهم صنایع بزرگ (بالای ۱۰۰ نفر کارکن)، برابر ۲۶۹۰ واحد و اشتغال مستقیم ۹۱۸۳۴۲ نفر می باشد. صنایع کوچک و متوسط ۹۶/۸ درصد از تعداد کل صنایع و ۶۲/۸ درصد از اشتغال کل صنایع کشور را به خود اختصاص داده اند (<http://www.iribnews.ir/fa/news/1755368>). صنایع کوچک در دنیا از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند که عمده ترین علت آن انعطاف پذیری آنهاست و می توانند در بخش های مختلف به صنعت یک کشور کمک کنند. طبق آمار موجود بیش از ۵۰ درصد اختراعات و نوآوری ها در دنیا توسط صنایع کوچک رخ می دهد و قدرت جذب بسیار زیاد نیروی کار از دیگر خصایص آنهاست. دیگر ویژگی مهم صنایع کوچک این است که بنگاه های مذکور منبع قابل توجهی برای تولید نیروهای انسانی در واحدهای بزرگ صنعتی هستند. همچنین دیگر ویژگی مثبت این صنایع هزینه خروج آنها از صنعت در مقایسه با صنایع بزرگ است که بسیار پایین بوده و با سقف هزینه کم می تواند تغییر در موضوعیت تولید خود را در دستور کار قرار دهد. یکی دیگر از ویژگی های بسیار مهم صنایع کوچک و متوسط این است که میزان ۲۰ درصد صادرات در کشورهای دنیا توسط این گونه بنگاه ها انجام می شود هر چند در ایران این رقم حدود ۱۰ درصد است و باید تلاش های لازم صورت گیرد تا همزمان با رشد سایر جنبه های بنگاه های کوچک و متوسط در بخش صادرات نیز فعالیت های بیشتری مدنظر قرار گیرد (www.isna.ir/news/96052112470).

همچنین ۵۰ درصد نیروی کار و بیش از ۹۰ درصد تعداد بنگاه های فعال در دنیا را بنگاه های کوچک و متوسط تشکیل می دهند. سهم صنایع کوچک در ایران رقمی معادل ۹۲ درصد است و در حوزه اشتغال نیز ۵۲ درصد نیروی کار در بخش صنعت، در بنگاه های کوچک فعالیت می کنند (www.isna.ir/news/96052112470).

۹۷ درصد صنایع استان لرستان، صنایع کوچک و متوسط است. برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی که ارزنده ترین آنها همین اشتغال می باشد، حمایت جدی از صنایع کوچک و متوسط ضرورت دارد (<http://lorestan.irib.ir>).

ملاحظه می گردد که در حال حاضر تعداد واحدها و شاغلین صنایع کوچک و متوسط و سهم آنها از اشتغال و ارزش افزوده به حدی است که می توانند سهم ارزشمندی را در جامعه ایفا نمایند. از طرفی تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در قالب اشتغال زایی، استقلال، گسترش تولیدات داخلی، کاهش وابستگی به صادرات و... در صورتی امکان پذیر است که بر بستر تولید و اشتغال قرار گیرد و سهم و جایگاه صنایع کوچک و

متوسط را در اشتغال زایی مورد توجه قرار دهد. محوریت اقتصاد مقاومتی با تأکید بر درون زایی و نگاه به بیرون، تولید داخلی، اصلاح الگوی مصرف، مشارکت مردم، اشتغال و تولید را به عنوان اجزای اصلی مطرح نموده و به نظر می رسد که اصلی ترین تلاش ها در اقتصاد مقاومتی بر بستر اشتغال و تولید قرار دارد که هر دو مکمل هم بوده و بدون همدیگر معنا و مفهومی نخواهند داشت.

در این راستا سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی کدامند و چگونه می توان آنها را به تفکیک شهرستان های مختلف دسته بندی نمود؟

مواد و روش ها

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی که در این راستا دو هدف فرعی با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط و همچنین رتبه بندی آنها به تفکیک شهرستان های استان لرستان مطرح می شود.

دو سؤال مطرح شد که عبارتند از:

۱) عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی کدامند؟

۲) رتبه بندی عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی به تفکیک شهرستان چگونه است؟

بخشی از داده های این پژوهش در خصوص اهداف و سیاست های اقتصاد مقاومتی و پیشینه از روش کتابخانه ای و مطالعه ای اسناد و مدارک به دست آمده و بخش دیگری که شامل اظهار نظر متخصصان در خصوص شاخص های مربوطه بوده است با مراجعه ی حضوری به نظرات خبرگان و کارشناسان این حوزه به دست آمد. برای دست یابی به اعتبار لازم برای ابزار گردآوری، سعی شده است از منابع دست اول، دقیق و منتشر شده توسط مراجع ذی صلاح استفاده شود و برای روایی ابزار گردآوری از اظهار نظر چند تن از متخصصین رشته های علوم اقتصادی و اشتغال و همچنین مشورت در سطح مدیران و کارشناسان خبره در این زمینه به منظور تعیین ارجحیت شاخص ها استفاده شده است.

برای گردآوری داده ها از گروه خبرگان و الگوی دلفی استفاده شد. جامعه آماری مشتمل بر گروه خبرگان بود که با روش گلوله برفی تا رسیدن به عمق و اقتناع نظری به تعداد ۱۵ نفر محدود شدند. منظور از رسیدن به عمق این است که علی رغم تشریح شاخص ها و داده های اولیه که گردآوری شده اند، موضوع یا شاخص جدیدی به ذهن افراد پاسخگو نرسد و در واقع به نوعی هماهنگی و اجماع رسیده باشند. از افراد شرکت کننده تعداد ۱۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳ نفر دکترا بوده اند. متوسط سوابق کاری آنان ۱۸/۶ سال و متوسط سن آنها تقریباً ۴۳ سال بوده است. ۱۳ نفر از آنان مرد و ۲ نفر زن بوده اند. ۸ نفر در رشته ی اقتصاد و مدیریت بازرگانی و مدیریت صنعتی؛ ۴ نفر در رشته ی مهندسی صنایع و ۳ نفر در رشته ی روان شناسی، علوم اجتماعی و پژوهشگری تحصیل نموده اند.

تجزیه و تحلیل داده ها از مدل تاپسیس فازی که یکی از مدل های تصمیم گیری چندمعیاره فازی است، استفاده شد. مهم ترین گام در فرآیند تصمیم گیری چند معیاره، شناخت و انتخاب معیارهای مناسب است. در این مدل، علاوه بر در نظر گرفتن فاصله یک گزینه از نقطه ایده آل مثبت فازی، فاصله آن از نقطه ایده آل منفی فازی نیز در نظر گرفته شد؛ به این معنی که گزینه ی انتخابی باید دارای کمترین فاصله از راه حل ایده آل مثبت فازی و در عین حال دارای دورترین فاصله از راه حل ایده آل منفی فازی باشد. در این الگو که ضمن پرداختن به ابهام تفکر انسانی و ضعف منطق ارسطویی برای اولین بار تحت عنوان تئوری مجموعه های فازی مطرح شده است، عقلایی بودن عدم قطعیت و عدم دقت و ابهام در اظهار نظرهای پذیرفته شده و منطقی مورد توجه قرار گرفته و در واقع مهم ترین کمک آن به مطالعات مربوط به پدیده های جهان که حتماً دارای عدم قطعیت هستند، این بود که از بروز اظهار نظر قطعی و غیر فازی پیشگیری نموده است (غضنفری و رضایی، ۱۳۸۹، ۳۹-۳۶).

تصمیم گیری چندمعیاره در قالب منطق فازی شیوه ی مفیدی را برای حل یک مسأله تصمیم گیری چندمعیاره فراهم می آورد. اغلب اوقات در مسائل تصمیم گیری چندمعیاره، داده ها غیر دقیق و فازی هستند. در یک شرایط تصمیم گیری دنیای واقعی، کاربرد روش های معمول تصمیم گیری چندمعیاره می تواند به دلیل معیارهای حاوی مجموعه ی غیر دقیق از اطلاعات با محدودیت شدید مواجه شود. برای این موارد، روش های تصمیم گیری چندهدفه ی فازی (MODM) و تصمیم گیری چندشاخصه ی فازی (MADM) توسعه داده شده اند. طبقه بندی روش های تصمیم گیری چندمعیاره بدین ترتیب است که در مجموع به دو دسته (چندهدفه، چندشاخصه) تقسیم می شوند. مدل های ارزیابی چندشاخصه ممکن است جبرانی یا غیر جبرانی باشند. مدل تاپسیس در زیرگروه سازی مدل های جبرانی قرار می گیرد (اصغرپور، ۱۳۸۳، ۲۲-۲۱).

پس از تبیین مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه‌ی فازی نوبت به اجرای مدل انتخاب شده با استفاده از روش تاپسیس فازی^۳ می‌رسد. تکنیک تاپسیس هر دو فاصله‌ی گزینه از راه حل ایده‌آل مثبت و منفی را همزمان به وسیله گرفتن نزدیکی نسبی به راه حل ایده‌آل بررسی می‌کند که از نقاط قوت این تکنیک می‌باشد (سرجویچ و دیگران^۴، ۲۰۰۴، ۴۵).

چن و هوآنگ^۵ (۲۰۰۸)، مراحل استفاده از روش شباهت به گزینه ایده‌آل فازی را در یک مسأله تصمیم‌گیری چند معیاره با n معیار و m گزینه به شرح زیر ارائه کردند:

گام (۱) تشکیل ماتریس تصمیم

گام (۲) تعیین ماتریس وزن معیارها:

گام (۳) بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم فازی

گام (۴) تعیین ماتریس تصمیم فازی وزن دار

گام (۵) یافتن حل ایده‌آل فازی $(FPIS, A^+)$ و حل ضد ایده‌آل فازی $(FNIS, A^-)$

گام (۶) محاسبه فاصله از حل ایده‌آل و ضد ایده‌آل فازی

گام (۷) محاسبه شاخص شباهت

گام (۸) رتبه‌بندی گزینه‌ها: در این مرحله با توجه به میزان شاخص شباهت، گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. به طوری که گزینه‌های با شاخص شباهت در اولویت قرار دارند.

یافته‌ها

ابتدا کدگذاری شهرستان‌ها و شاخص‌ها انجام شده و سپس ضمن تبدیل عبارات کلامی به اعداد فازی با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی تکنیک شباهت به گزینه ایده‌آل فازی (FTOPSIS) به ارزیابی نتایج و رتبه‌بندی شاخص‌ها و شهرستان‌ها پرداخته شد.

جدول ۱: نام اختصاری شهرستان‌ها

ردیف	شهرستان	نام اختصاری	ردیف	شهرستان	نام اختصاری
۱	ازنا	C_1	۶	دلفان	C_6
۲	الیگودرز	C_2	۷	دورود	C_7
۳	بروجرد	C_3	۸	دوره	C_8
۴	پلدختر	C_4	۹	سلسله	C_9
۵	خرم‌آباد	C_5	۱۰	کوههدشت	C_{10}

منبع: یافته‌های تحقیق

از اعضای گروه دلفی خواسته شد تا شاخص‌های مهم در اشتغال‌زایی را انتخاب نمایند. در سه مرحله ابتدا ۳۶ شاخص با عنوان ارزش افزوده، موجودی سرمایه، قیمت عوامل تولید، سطح تولید، دسترسی به نیروی جوان، سبک مدیریت، بهای سرمایه، میزان تسهیلات، سود تسهیلات، صادرات‌گرایی، رقابت‌پذیری، نوع تکنولوژی، برنامه‌های حمایتی دولت، کاهش هزینه‌های تولید و حداقل‌سازی، حداکثرسازی سود، شاخص کاربری، دستمزد سرانه، انتظارات مردم، موجودی نقد، نحوه‌ی تأمین مواد اولیه، بهای سرمایه‌ی ثابت، وضعیت دارایی‌ها، اندازه‌ی شرکت، سوابق مدیریت، نوع سرمایه‌گذاری، نگرش کارفرمایان، مالیات و بیمه و عوارض، مدت فعالیت، نزدیکی به مراکز فروش، دسترسی به مراکز تأمین مواد اولیه، سن کارفرمایان، موقعیت اجتماعی کارفرمایان، میزان تحصیلات مدیران، تخصص مدیران، محدودیت‌های مالی و همچنین نحوه‌ی دریافت سفارش مطرح گردید. این شاخص‌ها مجدداً به شور گذاشته شد که ۲۱ شاخص در مرحله‌ی دوم و بالاخره ۱۵ شاخص در مرحله‌ی سوم مورد توافق قرار گرفت. با توجه به توافق اعضای دلفی در خصوص این ۱۵ شاخص، مبنای اصلی پژوهش نیز با هماهنگی گروه موصوف بر همین موارد قرار گرفت. شاخص‌های مورد نظر به شرح زیر تعریف شدند:

- ۱) ارزش افزوده: هر چه ارزش افزوده بالاتر باشد، میزان اشتغال نیز بالا می‌رود.
 - ۲) دستمزد سرانه: بالا رفتن دستمزد موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار می‌شود.
 - ۳) شاخص کاربری: هر چه بیشتر از تکنولوژی‌های کاربر استفاده شود، تقاضای اشتغال بیشتر است. هر چه سرمایه‌بری تولیدات و واحدهای صنعتی بیشتر باشد تمایل به اشتغال نیروی کار نیز کاهش می‌یابد.
 - ۴) موجودی سرمایه: هر چه میزان سرمایه افزایش یابد، تقاضای اشتغال بیشتر است.
 - ۵) حداکثرسازی سود: با افزایش میزان سودآوری، تقاضای کارفرمایان برای اشتغال افراد بیشتر می‌شود.
 - ۶) حداقل‌سازی هزینه: هر چه به دلیل حمایت دولت یا اقدامات واحدهای صنعتی، میزان هزینه کاهش یابد، تقاضای نیروی کار بیشتر می‌شود.
 - ۷) سطح تولید: با افزایش سطح و میزان تولید، تقاضا از طرف کارفرمایان برای اشتغال نیز بیشتر می‌شود.
 - ۸) بهای سرمایه: اگر سرمایه و نیروی کار مکمل همدیگر باشند، رابطه‌ای معکوس بین آنها برقرار می‌شود و در صورتی که این دو نسبت جانشینی داشته باشند، رابطه‌ای مثبت داشته و افزایش یکی منجر به افزایش دیگری می‌شود و برعکس (باصری و روشنی سیاقی، ۱۳۹۳، ۱۲۵-۱۲۳).
 - ۹) سود تسهیلات بانکی: توان پرداخت تسهیلات بانکی می‌تواند بر افزایش جذب نیروی کار برای افزایش تولید مؤثر باشد.
 - ۱۰) صادرات‌گرایی: نوع محصول و کیفیت آن با هدف صادرات موجب می‌شود که نوع و تقاضای اشتغال تغییر نماید.
 - ۱۱) رقابت‌پذیری: شاخصی است برای مقایسه و پیشی گرفتن از رقبا که ممکن است یکی از معیارهای آن ایجاد شغل باشد.
 - ۱۲) حمایت دولت: نقش حمایت دولت در دو بعد مستقیم در جهت اشتغال‌زایی و یا سایر حمایت‌ها از قبیل یارانه و کمک‌های بلاعوض به تولیدکنندگان به طور غیرمستقیم منجر به تغییر روند جذب نیروی انسانی توسط واحدهای صنعتی می‌شود.
 - ۱۳) فاصله تا مراکز خرید و فروش/ تأمین مواد اولیه یا فروش محصول: مخارج حمل و نقل عامل مهمی در افزایش یا کاهش مخارج واحدهای صنعتی هستند و لذا در صورت کاهش این هزینه‌ها امکان جذب نیروی کار بیشتری برای افزایش تولید و درآمد وجود خواهد داشت.
 - ۱۴) نگرش کارفرمایان: دانش، احساس و مهارت عملی کارفرمایان عامل مهمی در ایجاد و گسترش اشتغال است.
 - ۱۵) نوع سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذارانی که با اندک سرمایه‌ی شخصی خویش به وادی صنعت پا نهاده‌اند، علاقه‌ی چندانی به جذب نیروی انسانی نشان نمی‌دهند. شرکا، سهامداران و کسانی که سرمایه‌های خود را از طریق وام و تسهیلات بلندمدت کسب نموده‌اند، تمایل بیشتری به جذب نیروی انسانی دارند.
- نام‌گذاری شاخص‌های مورد بررسی به شرح جدول زیر بوده است.

جدول ۲: شاخص‌ها و نام اختصاری مربوط به آنها

ردیف	شاخص	عنوان	ردیف	شاخص	عنوان
۱	ارزش افزوده	I_1	۹	سود تسهیلات بانکی	I_9
۲	دستمزد سرانه	I_2	۱۰	صادرات‌گرایی	I_{10}
۳	شاخص کاربری	I_3	۱۱	رقابت‌پذیری	I_{11}
۴	موجودی سرمایه	I_4	۱۲	حمایت دولت	I_{12}
۵	حداکثرسازی سود	I_5	۱۳	فاصله تا مراکز خرید و فروش	I_{13}
۶	حداقل‌سازی هزینه	I_6	۱۴	نگرش کارفرمایان	I_{14}
۷	سطح تولید	I_7	۱۵	نوع سرمایه‌گذاری	I_{15}
۸	بهای سرمایه	I_8			

منبع: یافته‌های تحقیق

برای دریافت قضاوت‌های خبرگان، نظرات آنها در قالب عبارات کلامی اخذ و سپس به اعداد فازی تبدیل گردید. تبدیل عبارت کلامی به اعداد فازی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳: چگونگی تبدیل عبارت کلامی به اعداد فازی

اعداد فازی مثلثی متناظر	عبارت کلامی
(۱، ۱، ۱)	به یک اندازه مهم
(۱، ۲، ۳)	بینابین
(۲، ۳، ۴)	کمی مهم تر
(۳، ۴، ۵)	بینابین
(۴، ۵، ۶)	نسبتاً مهم تر
(۵، ۶، ۷)	بینابین
(۶، ۷، ۸)	بسیار مهم تر
(۷، ۸، ۹)	بینابین
(۹، ۹، ۹)	مطلقاً مهم تر

منبع: چاموداراکاس و دیگران، ۲۰۰۹، ۴۹۶.

اعضای گروه به تفکیک و بر اساس متغیرهای زبانی نسبت به هر شاخص در کنار شاخصی دیگر اظهار نظر نمودند و سپس ماتریس مقایسات جامعی با فرمول زیر تهیه شد. در این فرمول a و b و c به ترتیب نشانگر حد پایین، حد وسط و حد بالای عدد فازی مثلثی هستند. هر یک از گزینه‌ها به ترتیب و به تفکیک دیدگاه گروه کارشناسان اولویت‌بندی و بررسی اهمیت شاخص‌ها با مصاحبه‌ی حضوری از کارشناسان خبره صورت پذیرفت.

اگر n معیار به شرح C_1, C_2, \dots, C_n داشته باشیم و ماتریس مقایسه زوجی آنها به صورت زیر باشد: $A = [a_{ij}]$ به طوری که در آن a_{ij} ترجیح عنصر C_i بر C_j را نشان دهد؛ چنانچه در این ماتریس داشته باشیم: $a_{ik} \times a_{kj} = a_{ij}$ آن‌گاه می‌گوییم ماتریس سازگار است.

الگوریتم محاسبه‌ی ناسازگاری بدین شرح است که ماتریس مقایسه زوجی A را تشکیل داده و بردار وزن W را مشخص می‌نمایند. اگر بزرگ‌ترین مقدار ویژه ماتریس A یعنی λ_{max} مشخص بود، مقدار شاخص ناسازگاری محاسبه می‌شود. در غیر این صورت با توجه به قدم های زیر مقدار آن را تخمین می‌زنند:

(الف) با ضرب بردار W در ماتریس A تخمین مناسبی از $\lambda_{max} * W$ به دست می‌آورند.

(ب) با تقسیم مقادیر به دست آمده برای $\lambda_{max} * W$ بر W مربوطه تخمین‌هایی از λ_{max} را محاسبه می‌نمایند.

(ج) متوسط λ_{max} به دست آمده را پیدا می‌کنند.

اکنون دیگر می‌توان مقدار شاخص ناسازگاری را از رابطه روبرو محاسبه کرد: $I.I = \lambda_{max} - n / n - I$

برای محاسبه نرخ ناسازگاری یک سلسله مراتبی شاخص ناسازگاری هر ماتریس را در وزن عنصر مربوطه ضرب نموده و حاصل جمع آنها را به دست می‌آورند. این حاصل جمع را $I.I$ می‌نامند. همچنین وزن عناصر را در $I.I$ ماتریس‌های مربوطه ضرب کرده و مجموعشان $I.I.R$ را نام‌گذاری می‌نمایند. حاصل تقسیم $I.I / I.I.R$ نرخ ناسازگاری سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر نرخ ناسازگاری از فرمول $I.I / I.I.R =$ به دست می‌آید (علوی، ۲۰۱۴، ۳۰-۲۸).

نرخ ناسازگاری نشان می‌دهد تا چه اندازه می‌توان به داده‌های گردآوری شده از دیدگاه هر کارشناس اعتماد کرد. اساس محاسبات فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی بر اساس قضاوت اولیه تصمیم‌گیرنده که در قالب ماتریس مقایسه‌ها زوجی ظاهر می‌شود، صورت می‌پذیرد. بنابراین هرگونه خطا و ناسازگاری در مقایسه عناصر، نتیجه نهایی به دست آمده از محاسبات را تحت تاثیر قرار می‌دهد (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۲۶).

در بررسی نهایی مشخص شد که در تمام موارد اعدادی بالاتر از ۰/۱ به دست آمده و به نوعی نتایج حاصله حاکی از عدم وجود سازگاری نتایج است و مجدداً از کارشناسان خواسته شد تا نسبت به دیدگاه خویش تجدید نظر کنند و بالاخره نرخ سازگاری کمتر از ۰/۱ حاصل شد.

وزن‌دهی بر مبنای اظهار نظر کارشناسان به ترتیب از تبدیل عبارات کلامی به اعداد فازی شروع و سپس ماتریس تصمیم‌گیری برای ارزیابی گزینه‌ها تشکیل شد. بی‌مقیاس نمودن ماتریس تصمیم‌گیری و ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین فازی در مراحل بعدی صورت گرفت تا به تعیین ایده‌آل‌های مثبت و منفی و محاسبه‌ی مجموع فواصل هر یک از گزینه‌ها از آن ایده‌آل‌ها پرداخته شده و بالاخره میزان نزدیکی هر گزینه با راه‌حل

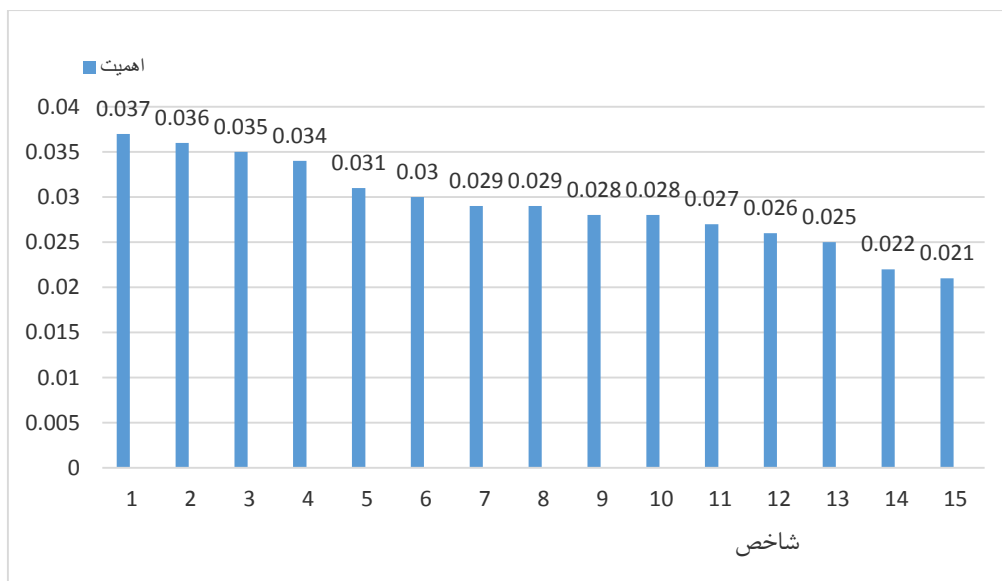
ایده آل تعیین شود. مسلماً هر گزینه ای دارای مقدار نزدیکی بیشتری به راه حل ایده آل باشد، نسبت به سایر گزینه ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جدول ۴: رتبه بندی شاخص ها

رتبه	نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل	فاصله تا ایده آل منفی	فاصله تا ایده آل مثبت	شاخص	ردیف
۲	۰/۰۳۶	۰/۸۹۹	۲۵/۱۱۸	I_1	۱
۵	۰/۰۳۱	۰/۸۰۸	۲۵/۲۱۰	I_2	۲
۳	۰/۰۳۵	۰/۹۲۱	۲۵/۰۸۵	I_3	۳
۸	۰/۰۲۹	۰/۷۵۴	۲۵/۲۶۶	I_4	۴
۹	۰/۰۲۸	۰/۷۲۲	۲۵/۳۰۲	I_5	۵
۱۵	۰/۰۲۱	۰/۵۳۹	۲۵/۴۸۸	I_6	۶
۶	۰/۰۳۰	۰/۷۷۶	۲۵/۲۴۳	I_7	۷
۷	۰/۰۲۹	۰/۷۵۸	۲۵/۲۶۰	I_8	۸
۱۴	۰/۰۲۲	۰/۵۶۰	۲۵/۴۶۶	I_9	۹
۱۲	۰/۰۲۶	۰/۶۶۹	۲۵/۳۵۶	I_{10}	۱۰
۱۳	۰/۰۲۵	۰/۶۵۸	۲۵/۳۶۷	I_{11}	۱۱
۴	۰/۰۳۴	۰/۸۶۷	۲۵/۲۰۱	I_{12}	۱۲
۱۰	۰/۰۲۸	۰/۷۳۴	۲۵/۲۸۸	I_{13}	۱۳
۱	۰/۰۳۷	۰/۹۲۴	۲۵/۰۸۰	I_{14}	۱۴
۱۱	۰/۰۲۷	۰/۶۷۸	۲۵/۳۴۵	I_{15}	۱۵

منبع: یافته های تحقیق

ملاحظه می شود که شاخص های مورد بررسی به ترتیب اهمیت شامل نگرش کارفرما، ارزش افزوده، کاربر بودن، حمایت دولت، رقابت پذیری، دستمزد، سطح تولید، بهای سرمایه، موجودی سرمایه، حداکثرسازی سود، فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرابی، سود تسهیلات بانکی و بالاخره حداقل سازی هزینه هستند.



نمودار ۱: نمودار میله ای مقایسه شاخص ها از نظر اهمیت

منبع: یافته های تحقیق

رتبه بندی شهرستان های استان لرستان در خصوص شاخص های مورد بررسی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل تاپسیس فازی به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۴: وضعیت مقایسه ای عوامل اشتغال زایی در شهرستان ها

نام شهرستان	رتبه	شاخص شباهت
خرم آباد	۱	۰/۴۲۳
بروجرد	۲	۰/۴۱۲
ازنا	۳	۰/۴۰۷
سلسله	۴	۰/۳۹۶
الیگودرز	۵	۰/۳۹۲
دورود	۶	۰/۳۸۴
کوهدشت	۷	۰/۳۶۳
پلدختر	۸	۰/۳۵۲
دلفان	۹	۰/۳۳۳
دوره	۱۰	۰/۳۰۶

منبع: یافته های تحقیق

وضعیت نهایی شهرستان ها بر مبنای عدد استاندارد ۱۰۰ که حاصل از تبدیل نتایج به مبنای مربوطه بوده و برای راحتی تحلیل بر مبنای صد محاسبه شده است برای هر یک از شاخص های مورد بررسی به شرح زیر بوده است:

جدول ۵: وضعیت مقایسه ای شاخص ها و عوامل اشتغال زایی در شهرستان ها

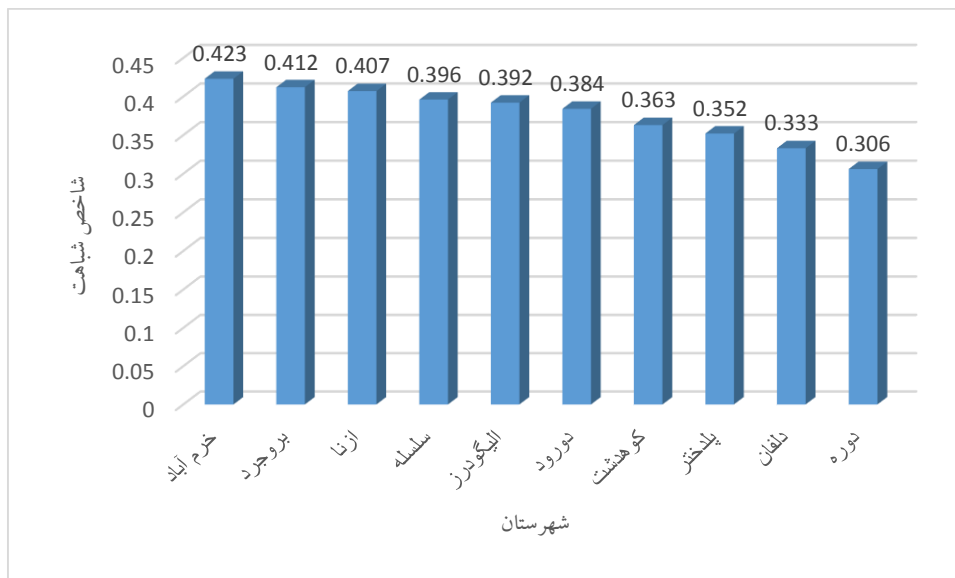
مجموع	دوره	دلفان	پلدختر	کوهدشت	دورود	الیگودرز	سلسله	ازنا	بروجرد	خرم آباد	
۰/۶۵۶	۰/۸۱۱	۰/۷۰۸	۰/۵۱۲	۰/۶۵۱	۰/۵۹۰	۰/۶۰۹	۰/۶۶۹	۰/۷۱۲	۰/۶۵۷	۰/۶۴۴	نگرش
۰/۴۵۶	۰/۳۱۲	۰/۴۵۵	۰/۴۳۱	۰/۴۰۲	۰/۴۵۷	۰/۶۱۲	۰/۳۴۴	۰/۶۰۱	۰/۵۱۲	۰/۴۳۴	ارزش افزوده
۰/۶۹۶	۰/۶۵۳	۰/۶۹۸	۰/۷۰۵	۰/۷۱۲	۰/۷۰۴	۰/۶۳۲	۰/۷۹۸	۰/۶۸۲	۰/۷۰۱	۰/۶۷۲	کاربری
۰/۶۹۰	۰/۹۲۱	۰/۹۱۲	۰/۸۹۰	۰/۷۹۹	۰/۶۷۳	۰/۵۸۷	۰/۵۶۶	۰/۵۵۵	۰/۴۱۸	۰/۵۷۸	حمایت
۰/۵۲۰	۰/۳۹۵	۰/۴۵۸	۰/۶۷۱	۰/۵۵۶	۰/۷۷۱	۰/۵۲۶	۰/۶۵۲	۰/۴۱۶	۰/۴۰۹	۰/۳۴۴	رقابت
۰/۲۴۹	۰/۱۷۷	۰/۰۸۹	۰/۲۰۰	۰/۲۱۲	۰/۱۱۸	۰/۲۰۹	۰/۲۴۲	۰/۴۵۲	۰/۳۵۸	۰/۴۳۲	دستمزد
۰/۴۱۹	۰/۳۵۶	۰/۲۶۱	۰/۳۱۷	۰/۳۴۱	۰/۳۱۸	۰/۴۴۵	۰/۳۱۶	۰/۶۱۰	۰/۷۰۲	۰/۶۲۴	تولید
۰/۴۲۵	۰/۲۱۲	۰/۲۵۹	۰/۳۲۱	۰/۳۱۷	۰/۳۴۵	۰/۴۱۷	۰/۳۷۶	۰/۶۲۱	۰/۵۸۹	۰/۷۸۹	سرمایه
۰/۴۳۶	۰/۲۶۷	۰/۲۱۸	۰/۳۰۹	۰/۳۳۳	۰/۴۷۲	۰/۵۱۲	۰/۵۶۷	۰/۵۳۳	۰/۵۴۱	۰/۶۱۳	موجودی
۰/۳۴۹	۰/۱۳۹	۰/۲۰۱	۰/۲۶۷	۰/۳۱۵	۰/۵۷۸	۰/۴۰۱	۰/۵۱۲	۰/۳۴۵	۰/۳۱۸	۰/۴۱۸	سود
۰/۲۱۹	۰/۱۴۱	۰/۱۱۹	۰/۱۸۹	۰/۲۱۳	۰/۱۳۹	۰/۲۱۸	۰/۵۰۱	۰/۱۸۷	۰/۲۵۶	۰/۲۳۱	فاصله
۰/۱۱۱	۰/۰۳۱	۰/۱۱۸	۰/۰۹۱	۰/۱۰۹	۰/۱۱۱	۰/۱۹۳	۰/۰۷۰	۰/۱۲۰	۰/۱۷۰	۰/۱۰۱	نوع سرمایه
۰/۱۵۱	۰/۰۱۸	۰/۱۱۲	۰/۰۲۱	۰/۱۷۹	۰/۱۳۶	۰/۱۸۸	۰/۱۱۱	۰/۲۱۸	۰/۳۱۰	۰/۲۲۱	صادرات
۰/۱۴۰	۰/۱۴۵	۰/۱۷۴	۰/۲۳۲	۰/۱۸۸	۰/۱۵۶	۰/۱۱۰	۰/۱۰۹	۰/۰۴۵	۰/۱۱۲	۰/۱۲۸	تسهیلات
۰/۱۳۳	۰/۱۰۹	۰/۲۱۲	۰/۱۱۸	۰/۱۲۳	۰/۱۹۹	۰/۲۱۴	۰/۱۰۸	۰/۰۱۲	۰/۱۲۲	۰/۱۱۵	هزینه
۰/۳۷۷	۰/۳۰۶	۰/۳۳۳	۰/۳۵۲	۰/۳۶۳	۰/۳۸۴	۰/۳۹۲	۰/۳۹۶	۰/۴۰۷	۰/۴۱۲	۰/۴۲۳	مجموع

منبع: یافته های تحقیق

نتایج حاصله علاوه بر رتبه بندی شهرستان ها به ترتیب از اهمیت شاخص های کاربری صنایع، حمایت دولت، نگرش کارفرمایان، رقابت پذیری، ارزش افزوده، موجودی سرمایه، ارزش سرمایه و دستمزد در بین شاخص های مورد بررسی حکایت دارد.

اکنون می توان با در نظر گرفتن وضعیت شاخص ها به ضعف عوامل اشتغال زایی در سطح پایین تر از عدد ۰/۲۵ به عنوان محوری برای ارائه ی پیشنهاد و تحلیل نهایی نتایج اشاره نمود. شاخص های محاسبه شده برای تمام شهرستان های استان لرستان از ابعاد نوع سرمایه گذاری، صادرات گرای، سود تسهیلات بانکی و حداقل سازی هزینه از وضعیت ضعیفی برخوردار هستند. هشت شهرستان خرم آباد، ازنا، الیگودرز، دورود، کوهدشت، پلدختر، دلفان و دوره از بعد مسافت تا مکان تأمین مواد اولیه و بازار فروش محصولات از وضعیت ضعیفی برخوردار هستند. شهرستان های دلفان و دوره از بعد سود تسهیلات بانکی با ضعف مواجه هستند. از بعد موجودی سرمایه نیز شهرستان دلفان از وضعیت ضعیف تری برخوردار بوده است. شهرستان دوره از نظر ارزش سرمایه در وضعیت ضعیف تری برخوردار بوده است. از بعد دستمزد نیز شهرستان های سلسله، الیگودرز، دورود، کوهدشت، پلدختر، دلفان و دوره با وضعیت نامناسبی مواجه بوده اند.

مقایسه ی نهایی شهرستان ها از نظر شاخص های مورد بررسی به منظور تعیین شاخص شباهت به شرح نمودار زیر بوده است. در این نمودار شهرستان خرم آباد با شاخص شباهت ۰/۴۲۳ در رتبه ی اول، بروجرد با شاخص شباهت ۰/۴۱۲ در رتبه ی دوم، ازنا با شاخص شباهت ۰/۴۰۷ در رتبه ی سوم و دوره با شاخص ۰/۳۰۶ در رتبه ی دهم و آخر قرار داشته است.



نمودار ۲: رتبه بندی نهایی شهرستان ها بر اساس تکنیک تاپسیس فازی / شاخص شباهت

منبع: یافته های تحقیق

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، رویکرد اقتصاد مقاومتی در قالب ۷۰ گزاره (۳۰ هدف، ۱۳ رکن و ۲۷ سیاست) با استناد به فرامین مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی موجود برای دستیابی به شاخص های اشتغال زایی در صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان مورد توجه قرار گرفت. گروه خبره با مطالعه و اظهار نظر در خصوص این ۷۰ مورد، در گام اول تعداد ۲۷ شاخص را در ارتباط با موضوعات اشتغال و متناسب با وضعیت استان لرستان از این جهت که یکی از سه استان پایلوت اقتصاد مقاومتی است، تشخیص دادند. در یک گام دیگر مجدداً اظهار نظر نموده و بالاخره در ۱۳ شاخص با عناوین ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصه های کلان، افزایش ارزش افزوده، تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور، تکریم کار و ارتقای فرهنگ کار، تقویت و توسعه کار شایسته و کارآفرینی، ارتقاء قابلیت های رقابتی محصولات و خدمات، ارتقاء شاخص های سهولت کسب و کار و کارآفرینی، کاهش سطح بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار، توسعه زیرساخت های مورد نیاز توانمندسازی نیروی کار، تسهیل دسترسی به سرمایه و فناوری مناسب، فعال سازی بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی کشور، مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات و بالاخره فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی به توافق رسیدند. بر اساس همین رویکرد دو سؤال مطرح شد که پس از تحلیل آنها با روش کیفی و بهره گیری از تکنیک تاپسیس فازی، نتایج حاصله به شرح زیر بوده است:

۱) عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی کدامند؟

در پاسخ به این سؤال با بهره گیری از روش دلفی در سه مرحله به شناسایی شاخص های مؤثر در اشتغال پرداخته شد. در ابتدا ۳۶ شاخص، در مرحله دوم ۲۱ شاخص و بالاخره در مرحله سوم ۱۵ شاخص با عناوین ارزش افزوده، دستمزد سرانه، شاخص کاربری، موجودی سرمایه، حداکثر سازی سود، حداقل سازی هزینه، سطح تولید، بهای سرمایه، سود تسهیلات بانکی، صادرات گرایی، رقابت پذیری، برنامه های حمایتی دولت، فاصله تا مراکز خرید و فروش / تأمین مواد اولیه یا فروش محصول، نگرش کارفرمایان و بالاخره نوع سرمایه گذاری (فردی، مشارکتی، شرکتی) مورد توجه و تأکید گروه کارشناسی قرار گرفت.

۲) رتبه بندی عوامل مؤثر بر اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط شهرستان های استان لرستان با رویکرد اقتصاد مقاومتی به تفکیک شهرستان چگونه است؟

شهرستان خرم آباد با شاخص شباهت ۰/۴۲۳ در رتبه اول، بروجرد با شاخص شباهت ۰/۴۱۲ در رتبه دوم، ازنا با شاخص شباهت ۰/۴۰۷ در رتبه سوم، سلسله با شاخص شباهت ۰/۳۹۶ در رتبه چهارم، الیگودرز با شاخص شباهت ۰/۳۹۲ در رتبه پنجم، دورود با شاخص شباهت ۰/۳۸۴ در رتبه ششم، کوهدشت با شاخص شباهت ۰/۳۶۳ در رتبه هفتم، پلدختر با شاخص شباهت ۰/۳۵۲ در رتبه هشتم، دلفان با شاخص شباهت ۰/۳۳۳ در رتبه نهم و دوره با شاخص ۰/۳۰۶ در رتبه دهم و آخر قرار داشته است.

شهرستان های خرم آباد، بروجرد و ازنا از نظر ۵ شاخص با عناوین بعد فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرایی، سود تسهیلات بانکی و بالاخره حداقل سازی هزینه در وضعیت مناسبی قرار نداشته اند.

شهرستان های سلسله، الیگودرز، دورود، کوهدشت و پلدختر از نظر ۶ شاخص با عناوین دستمزد سرانه، فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرایی، سود تسهیلات بانکی و بالاخره حداقل سازی هزینه در وضعیت مناسبی قرار نداشته اند.

شهرستان دلفان از نظر ۸ شاخص با عناوین دستمزد سرانه، موجودی سرمایه، سود تسهیلات بانکی، فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرایی، سود تسهیلات بانکی و بالاخره حداقل سازی هزینه در وضعیت مناسبی قرار نداشته است.

شهرستان دوره از نظر ۸ شاخص با عناوین دستمزد سرانه، ارزش سرمایه، سود تسهیلات بانکی، فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرایی، سود تسهیلات بانکی و بالاخره حداقل سازی هزینه در وضعیت مناسبی قرار نداشته است.

در مجموع کل شهرستان های استان لرستان از نظر ۵ شاخص با عناوین بعد فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات با شاخص ۰/۲۱۹، نوع سرمایه گذاری با شاخص ۰/۱۱۱، صادرات گرایی با شاخص ۰/۱۵۱، سود تسهیلات بانکی با شاخص ۰/۱۴۰ و بالاخره حداقل سازی هزینه با شاخص ۰/۱۳۳ در وضعیت مناسبی قرار نداشته اند.

هر چند مطالعات دقیقی در جهت رتبه بندی از بعد عوامل مؤثر بر اشتغال صورت نگرفته و نتایج این پژوهش نیز از بعد تأثیر پذیری از بهای سرمایه با پژوهش باصری و روشنی سیاقی (۱۳۹۳) مطابقت دارد ولی ضرورت توجه به شاخص های اشتغال با در نظر گرفتن اهداف و سیاست های اقتصاد مقاومتی را مطرح نموده و به نتایجی منطبق با شرایط هر یک از شهرستان های مورد بررسی دست یافته است. مهم ترین نتیجه حاصل آن است که نقش مهم و ارزنده ۱۰ شاخص اساسی با عناوین نگرش کارفرمایان، ارزش افزوده، کاربر بودن، حمایت دولت، رقابت پذیری، دستمزد، سطح تولید، بهای سرمایه، موجودی سرمایه، حداکثر سازی سود بر ایجاد اشتغال در صنایع کوچک و متوسط استان لرستان مورد تأکید جدی قرار گرفته است. علاوه بر آن ۵ شاخص مهم دیگر (فاصله تا مراکز خرید مواد اولیه و فروش محصولات، نوع سرمایه گذاری، صادرات گرایی، سود

تسهیلات بانکی، حداقل سازی هزینه) در موضوع اشتغال زایی صنایع کوچک و متوسط نقش اساسی داشته اند که در استان لرستان از شرایط مناسبی برخوردار نبوده اند.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می گردد:

- ۱) نمرات شاخص های به دست آمده به عنوان یکی از معیارهای توجیهی برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط مورد توجه قرار گیرند.
- ۲) شاخص کاهش هزینه از اهمیت زیادی برخوردار است. این شاخص هم در اقتصاد مقاومتی و هم در جهت ایجاد اشتغال از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین به نظر می رسد که استفاده از الگوهای مدیریت کیفیت جامع (اعم از نظام های کیفیت، استقرار واحدهای تحقیق و توسعه، نظام مشاوره ی صنعتی، مهندسی مجدد و ...) در راستای کاهش هزینه و قیمت تمام شده و بهبود تولید استفاده شود.
- ۳) در اعطای تسهیلات بانکی و نحوه ی برخورد با صاحبان صنایع کوچک و متوسط به نحوی عمل شود که ضمن نظارت و دقت لازم، محوریت اشتغال بیش از پیش و با دقت و جدیت مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه می توان تأکید نمود که هر واحد صنعتی که بهتر بتواند در حفظ و جذب نیروی انسانی تلاش کند از تسهیلات ویژه ای برخوردار شده و یا تخفیفات خاصی برایش در نظر گرفته شود.
- ۴) تولید با هدف صادرات و به اصطلاح تولید صادرات محور یکی از رویکردهایی است که تحقق آن در استان لرستان به دور از ذهن نیست. این موضوع می تواند با حمایت دولت و مشارکت بخش خصوصی در خصوص صنایع تبدیلی، صنایع دستی، صنایع کانی و موارد دیگری که استان لرستان دارای مزیت نسبی در آن صنایع است، اجرایی گردد. در این جهت می توان به لزوم گسترش صنایع دستی و تبدیلی نیز اشاره نمود.
- ۵) فاصله ای که بین واحدهای صنعتی تا مراکز خرید مواد اولیه و بازار فروش محصولات در استان لرستان وجود دارد حاکی از آن است که موقعیت استان از نظر جغرافیایی تا کنون به عنوان یک مزیت برای کسب درآمد و ایجاد اشتغال مورد استفاده قرار نگرفته است. در این زمینه می توان بر ضرورت کسب حمایت دولت در کمک به ترانزیت محصولات و همکاری با تولیدکنندگان در تدارک مواد اولیه تأکید نمود. گسترش صنایع و خدمات بازار محور در این زمینه منجر به کاهش هزینه ی تولید و فروش شده و می توان به اشتغال زایی صنایع کمک کند.

منابع و مراجع

- [۱] آجیلی، هادی (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۴، ص ۱۰۵-۸۷.
- [۲] آذر، عادل؛ فرجی، حجت. (۱۳۸۹). علم مدیریت فازی. تهران: انتشارات کتاب مهربان نشر.
- [۳] اصغریپور، محمدجواد (۱۳۸۳). تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره. چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- [۴] انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه (۱۳۹۳). "اقتصاد مقاومتی از منظر دین: مفاهیم، مبانی، الزامات و سیاست‌ها". مجله مبلغان، شماره ۱۷۹، ص ۲۷-۱.
- [۵] باصری، بیژن و روشنی سیاقی، نوریه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال‌زایی صنایع کوچک در استان گلستان. فصلنامه علوم اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۱۳۱-۱۱۳.
- [۶] حبیبی، آرش و ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. تهران: انتشارات کتیبه گیل
- [۷] عسکری، علی (۱۳۹۱). ۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی. روزنامه جام جم، شماره ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر.
- [۸] غضنفری، مهدی؛ رضایی، محمود. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر نظریه مجموعه‌های فازی. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- [۹] قوامی، سیدحسین (۱۳۹۱). اولین نشست- اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری. پژوهشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی
- [۱۰] منفرد، نوذر و احمدی پور، زهره (۱۳۹۴). مطالعه مروری اهمیت اشتغال و کارآفرینی در توسعه پایدار. دومین کنفرانس بین المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس بین المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها
- [۱۱] منوچهری، محمدامین (۱۳۹۰). بررسی میزان موفقیت شرکت های تعاونی در بخش های مختلف اقتصادی استان کهگیلویه و بویراحمد. اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویر احمد.
- [۱۲] میلانی، جمی (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصتها و چالشهای تحقق آن. مجله اقتصادی، شماره ۷ و ۸، ص ۲۲-۵.
- [13] Alavi, Iraj (2014). Fuzzy AHP method for plant species selection in mine reclamation plans: case study sungun copper mine. Iranian Journal of Fuzzy Systems, V 11, N 5, P:41-49.
- [14] Chamodrakas I., Batis D., Martakos D. (2009). Supplier selection in electronic marketplaces using satisficing and fuzzy AHP. Experts Systems with Applications, 37(1), 490-498.
- [15] Chen, Shu Jen and Hwang Lai Ching (2008). Fuzzy Multiple Attribute Decision Making: Methods and Applications. Berlin: Springer, Verlag.
- [16] Srdjevic, B., Medeiros, Y.D.P., Faria, A.S., An Objective Multi-Criteria Evaluation of Water Management Scenarios, Water Resources Management, Vol. 18, pp. 35-54, 2004.
- [17] <http://www.iribnews.ir/fa/news/1755368>
- [18] <http://lorestan.irib.i>